

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 2, Spring 2021, 299-322
Doi: 10.30465/crtls.2020.29482.1724

The Book
Azf Ala Vatar el-Nas ol-Sheri
from a Critical Point of View

Fatemeh Ghaderi*

Abstract

By definition, criticism is the task of examining the validity of a work of art or literature. Like other disciplines, it is based on specific rules and regulations. Once a work is criticized, its strengths and weaknesses are revealed. In this regard, '*Azf Ala Vatar el-Nas ol-Sheri*' (Playing the Strings of Poetry) by Omar Mohammad al-Talib is evaluated as a book that seeks to grasp the content through the text analysis. The analysis is conducted by sticking to various aspects of literary criticism and avoiding theoretical subjects. The present study aims to evaluate the book for its strengths and weak points in an objective and unbiased manner. The research method is descriptive for the structure and descriptive-analytical for the content of the book. As the results of the content analysis indicate, the author's goal is successfully fulfilled. In structural terms, however, the book is beset with certain shortcomings, which the author and the publisher are advised to mend.

Keywords: Content Analysis, Semiotic Analysis, Structural Analysis, Omar Mohammad al-Talib.

* Associate Professor, Yazd university, Yazd, Iran, ghaderi_m@yazd.ac.ir

Date received: 26/10/2020, Date of acceptance: 16/03/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۳۰۱-۳۲۲

عزف علی و تر النص الشعری (نواختن بر تار متن شعری)

در آیینۀ نقد و بررسی

فاطمه قادری*

چکیده

نقد علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی قواعد و اصول خاص خود را دارد. نقد است که به یک اثر اعتبار می‌بخشد و نقاط ضعف و قوت آن را آشکار می‌کند. کتاب عزف علی و تر النص الشعری، اثر عمر محمد الطالب، از جمله آثار است که سعی تا به دور از طرح مباحث نظری و پرداختن به موضوع‌های مختلف نقد ادبی از طریق تحلیل متون به موضوع برسد. این مقاله سعی دارد در بخش ساختار با روش توصیف و در بخش بررسی محتوا با روش توصیف و تحلیل به دور از هرگونه پیش‌داوری یا اعمال نظر شخصی به ارزیابی کتاب بپردازد و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص کند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد کتاب حاضر در بخش تحلیل متون هدف نویسنده را محقق ساخته و در حد بالایی موفق است، اما در بخش ساختاری کاستی‌هایی مشاهده می‌شود که لازم است نویسنده محترم و ناشر در رفع آن اقدام کنند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل متن، تحلیل سیمایی، تحلیل بنیوی، متن شعری، عمر محمد الطالب.

۱. مقدمه

قرائت متن ادبی به معنای تفسیر معنایی الفاظ و عبارات آن نیست، بلکه یک فعالیت و تلاش نوآورانه است که از طریق آن خواننده با متن ارتباط دوجانبه برقرار می‌کند و به نوآوری‌های ادیب و زیبایی‌های موجود در متن که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد پی می‌برد. در اصل، تحلیل متن ادبی بازخوانی متن است تا پس از فهم و دریافت زیبایی و نوآوری آن از طریق

* دانشیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد، یزد، ایران، ghaderi_m@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶



وسایل و ادوات متعدد دوباره آن را ترکیب کند. تحلیل متن صرف جداسازی شکل و مضمون آن به اجزا نیست، بلکه هدف اصلی بازسازی متن برای فهم جزئیات و تفصیل آن است (النجیری ۲۰۱۷: ۶۵۶). تحلیل متون ادبی در برنامه‌های درسی با شیوه‌های سنتی صورت می‌گرفته است. رسم بر این بوده است که مدرس متن را می‌خواند و پس از شرح کلمات بیت‌بیت آن را شرح می‌دهد و دانشجو شنونده است و تلاش می‌کند افکاری را که معلم القا می‌کند بفهمد و کم‌تر به شیوه‌ای عمل شده است که دانشجو را به سمت درک متن و تصاویر و محسنات موجود در آن هدایت کند.

در این مقاله، کتاب *عزف علی وتر النص الشعری*، اثر عمر محمد الطالب، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تحلیل نمونه‌های قصاید معروف در ادبیات عربی از دوره‌های مختلف براساس مناہج نقدی مطرح در حوزه نقد ادبی به‌عنوان یک منبع عملی برای دانشجویان ادبیات عربی علت انتخاب این کتاب برای ارزیابی بوده است. نقد این کتاب در دو حوزه ساختاری و محتوایی صورت می‌گیرد. با تحلیل کمی و کیفی این کتاب می‌توان دریافت که کتاب یک هدف اساسی را دنبال می‌کند و آن توجه به متن و رسیدن به موضوع از طریق متن است؛ به همین دلیل در کتاب اثری از تعاریف و مباحث نظری دیده نمی‌شود.

۱.۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از راه‌های آشنایی با متون و تذوق آن‌ها تحلیل به‌منظور استخراج زیبایی‌ها و مفاهیم ظاهری و باطنی و پی‌بردن به حقایق نهفته در آن‌هاست که همواره مورد توجه ادیبان و محققان و ادب‌دوستان بوده است، ولی شیوه‌های سنتی تحلیل متون سبب دوری و دل‌زدگی دانشجویان و فراگیری سطحی و زودگذر آن‌ها بوده و دانشجو را در دایره حفظ لغات متن و شرح مختصر آن محصور کرده، به گونه‌ای که قدرت تجزیه و تحلیل و اظهار نظر را از او گرفته است. لذا شناسایی کتاب‌هایی که به‌منظور پرورش ذوق و استعداد دانشجو و رشد خلاقیت او تدوین شده است ضروری به‌نظر می‌رسد.

۲.۱ پرسش و روش

نویسنده پس از تألیف دو کتاب *المدخل إلى المناهج الأدبية و مناہج الدراسات الأدبية* که به مباحث نظری صرف می‌پردازند، پی می‌برد که نیاز اساسی به متون برای توضیح ابعاد این مناہج وجود دارد و لازم است کتاب دیگری تألیف کند که از طریق عملی به نقد و تحلیل

متون پردازد. لذا کتاب عزف علی وتر النص الشعری را در تحلیل متون شعری و کتاب دیگری را با همین نام در تحلیل متون نثری به رشته تحریر درمی آورد. در این جا پرسش هایی مطرح است که نویسنده تا چه اندازه توانسته است در هدف خود موفق باشد و با روشی هدفمند متون را تحلیل کند؟ کتاب چه چیزهایی به دانش و شناخت خواننده افزوده است؟ معایب ساختاری و محتوایی کتاب کدام است؟ محاسن ساختاری و محتوایی کتاب کدام است؟ کتاب حاضر تا چه اندازه می تواند برای دروس نقد و تحلیل متون مناسب باشد؟

۳.۱ پیشینه پژوهش

در زمینه نقد کتب، مقالات بسیاری در حوزه های مختلف گروه عربی شورای متون پژوهشگاه علوم انسانی به رشته تحریر درآمده است که به برخی از آنها که به حوزه متون شعری مربوط است اشاره می شود.

۱. مقاله «نگاهی پژوهشی به نصوص حیه من الأدب العربی المعاصر» از فرهاد رجبی (۱۳۹۳)، پژوهش نامه انتقادی، ش ۳۳؛ نویسنده در این مقاله با بررسی ابعاد شکلی و محتوایی اثر به بیان مزایا و معایب آن پرداخته و بزرگترین کاستی آن را عدم تجدیدچاپ آن دانسته است.

۲. مقاله «بررسی و نقد کتاب مجانی الشعر العربی الحدیث و مدرسه براساس زبان شناسی کاربردی» از مریم جلائی (۱۳۹۵)، پژوهش نامه انتقادی، ش ۴۳؛ نویسنده مقاله کتاب را براساس مبانی علم زبان شناسی کاربردی نقد و بررسی کرده و اساسی ترین اشکال کتاب را عدم تمایز میان تدریس ادبیات عربی به مخاطبان عرب زبان و فارسی زبان دانسته است.

۳. مقاله «نقدی بر کتاب مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی» از محسن سیفی و مهوش حسین پور (۱۳۹۷)، پژوهش نامه انتقادی، ش ۵۵؛ در این مقاله کاستی های شکلی و محتوایی کتاب بررسی شده و پرداختن به موضوعات غیرضروری مثل زندگی نامه و غفلت از برخی مباحث ضروری مثل اغراض شعری عصر عباسی از عیوب کتاب ذکر شده است.

۴. مقاله «بررسی، تحلیل، و نقد الشعر الاندلسی فی عصر الموحدین» از ابراهیم نام داری (۱۳۹۸)، پژوهش نامه انتقادی، ش ۸، که در آن با بررسی نقاط ضعف و قوت کتاب، نوآوری، نگاه تخصصی به موضوع، و نقد بی طرف آرای اندیشمندان جنبه های مثبت کتاب

و عدم تسلسل منطقی مباحث در برخی فصول، نداشتن وحدت‌رویه در ثبت ارجاعات، و... جنبه‌های منفی کتاب دانسته شده است. درنهایت، نویسنده کتاب را به‌عنوان منبع کمکی برای دانشجویان و پژوهش‌گران عرصه شعر و ادب پیش‌نهاد داده است. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، کتاب یا مقاله‌ای که به زبان فارسی یا عربی اثر عمر محمد الطالب را بررسی کرده باشد یافت نشد.

۲. معرفی کتاب

کتاب *عزف علی وتر النص الشعری (دراسة فی تحلیل النصوص الأدبیه الشعریه)* تألیف عمر محمد الطالب است که در سال ۲۰۰۰ اتحادیه نویسندگان عرب دمشق آن را چاپ کرده است.

۳. شکل ظاهری

۱.۳ جلد کتاب

جلد کتاب طرح روی جلد، پشت جلد، و عطف کتاب را شامل می‌شود. کتابی که برای نقد در اختیار نگارنده قرار داده شده است طرح جلد خاصی ندارد و روی جلد و پشت و هم‌چنین عطف آن یک‌دست است. با توجه به عنوان زیبای کتاب، باید طرح جلدی متناسب با آن طراحی می‌شد و این امر مایه تعجب است. در روی جلد کتاب، بالای صفحه، سمت راست، اسم نویسنده با رنگ سیاه و نسبتاً درشت نوشته شده است. عنوان اصلی کتاب روی جلد در وسط صفحه و در نیمه پایین آمده با خط ریزتر از نام نویسنده و عنوان تفصیلی در زیر عنوان اصلی با همان اندازه و با رنگ سیاه و با فونت متفاوت از فونت نام نویسنده ذکر شده است. به‌طور کلی، عنوان روی جلد بسیار ساده است و جذاب نیست و قرارگرفتن آن در داخل آبی تیره وضوح کم‌تری دارد که می‌تواند از موارد نقص روی جلد کتاب باشد؛ اگر از جنبه دیگر به مسئله توجه شود، با توجه به این‌که هدف کتاب بررسی و تحلیل متون به‌گونه‌ای است که زوایای نهفته در آن‌ها را نمایان سازد و پی‌بردن به زوایای پنهان متن کار آسانی نیست که از همان ابتدا واضح و مشخص باشد و به تفکر، استدلال، منطقی، و ایجاد ارتباط بین اجزای مختلف نیاز دارد، می‌تواند توجیهی برای انتخاب این رنگ برای عنوان باشد. با جست‌وجویی

که در اینترنت شد، تنها یک عکس تقریباً غیرواضح از جلد کتاب وجود دارد که طرح متفاوتی دارد و با عنوان کتاب هم خوانی زیادی دارد و بسیار زیباست. طرح این عکس زمینه‌ای سفید دارد و در بالای صفحه در وسط نام کتاب و در سمت راست صفحه نام مؤلف ذکر شده است. در وسط صفحه تصویر مردی است که روی یک صندلی نشسته و یک ویولون را روی شانه چپ خود قرار داده و مشغول نواختن آن است. ویولون می‌تواند همان متن شعری باشد و مرد نشسته ناقد است که با تحلیل متن و استخراج زیبایی‌ها و ظرافت‌های نهفته در آن گویی نوازنده‌ای است که با به حرکت درآوردن تارهای ساز موسیقی دل‌نشینی می‌نوازد.

۲.۳ رنگ جلد

رنگ انتخابی برای کتاب باید طوری باشد تا عنوان کتاب به چشم بیاید، باید سادگی در نظر گرفته شود و بیش از اندازه پیچیده نباشد. رنگ جلد این کتاب آبی پررنگ است که احتمالاً معیار خاصی برای انتخاب این رنگ وجود نداشته است، اما به نظر نگارنده رنگ مناسبی است. رنگ آبی رنگی تسکین‌دهنده است و در ذهن تأثیر می‌گذارد. آبی پررنگ محرک تفکر روشن است و یک رنگ معنوی است. با وجود سردی و کسل‌کننده بودن این رنگ، ایجاد اعتماد، ارتباط، منطق، انعکاس، و آرامش از خواص روانی مثبت آن ذکر شده است (عبید ۲۰۱۳: ۸۱). <<http://www.zivanitar.com/color-attributes-5>>. شیوه مؤلف در تحلیل نمونه‌ها در این کتاب به گونه‌ای است که سؤالاتی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و او را به تفکر وا می‌دارد، نیز در تحلیل‌ها بررسی ارتباطات منطقی بین متن مورد نظر است و به نوعی تفکرزاست و به نظر می‌رسد، با توجه به موارد ذکر شده، با رنگ آبی تناسب داشته باشد. در عکس طرح جلد کتاب، زمینه سفید است. رنگ سفید رمز پاکی، خلوص، و زیبایی است، رنگ کشف و بیدارکننده ادراک و فهم است. نور تجلی الهی است. سفید برترین رنگ‌ها و مناسب‌ترین برای دلالت بر نور است (صالح ۲۰۱۲: ۱۱۲؛ عبید ۲۰۱۳: ۵۹). از آن‌جا که تحلیل متن نیز به نوعی حقیقت را برای خواننده آشکار و فهم او را از متن قوی‌تر می‌کند، به نظر می‌رسد رنگ مناسبی برای زمینه جلد باشد و از این نظر طرح موجود در عکس جلد کتاب بسیار زیبا و مناسب با عنوان و محتوای کتاب انتخاب شده و به جذابیت کتاب افزوده است.

۳.۳ صفحه‌آرایی

اصول فنی و استاندارد صفحه‌آرایی در کتاب رعایت نشده است. سرصفحه ندارد که در صفحات زوج آن نام کتاب و در صفحات فرد آن عنوان هر فصل نوشته می‌شود. شماره صفحات در قسمت پایین صفحه در وسط درج شده است که شیوه معمول در شماره‌گذاری صفحات است. تمام مطالب و ارجاع‌ها به صورت پانویس است. تورفتگی حاشیه‌ها و پاراگراف‌ها رعایت شده است، اما پاراگراف اول بعد از عنوان اصلی به تورفتگی نیاز ندارد. از نظر سطر بندی، تعداد سطرهای صفحات کتاب یک‌سان نیست، برخی صفحات سطرهای بیش‌تر و برخی کم‌تر دارد. اکثر صفحات کتاب ۲۹ سطر است، اما برخی صفحات سی و ۳۱ سطر هم دیده می‌شود. به عنوان مثال، سی سطر صفحه نوزده و ۳۱ سطر صفحه ۲۲ است که این مسئله از معایب کتاب به‌شمار می‌رود و لازم است شیوه‌های صفحه‌آرایی رعایت شود.

۴.۳ نوع قلم

باتوجه به این‌که متن کتاب عربی است، انتظار می‌رود فونت کتاب متناسب با زبان عربی باشد، اما با بررسی به‌عمل آمده در متن این کتاب از فونت «Times New Roman» استفاده شده است. هم‌چنین در کتابت، از یک فونت استفاده نشده است. فونت عنوان فصل‌ها با عناوین اصلی و متن کتاب متفاوت و فونت عناوین اصلی هم با متن تفاوت دارد. در نتیجه، سه نوع فونت استفاده شده است. تفاوت فونت عناوین اصلی با متن و درشت‌بودن بیش از اندازه آن‌ها نسبت به متن از زیبایی کتاب کاسته است.

۵.۳ قطع کتاب

قطع کتاب وزیری است.

۶.۳ کیفیت صحافی

صحافی کتاب باید به‌گونه‌ای باشد که با استفاده زیاد شیرازه آن از هم نپاشد که کتاب از این نظر خوب است، اما جلد آن کیفیت خوبی ندارد و به‌نظر می‌رسد بعد از چند بار استفاده آسیب ببیند.

۷.۳ صفحه عنوان

مشخصات صفحه عنوان مانند روی جلد است و در صفحه بعد از آن در قسمت بالای صفحه در وسط نام ناشر و در زیر آن محل و سال نشر ذکر شده است که البته این شیوه در شناسنامه کتابها مرسوم نیست. پیش نهاد می شود که همانند سایر کتابها، عنوان کتاب و نویسنده روی جلد و در انتهای جلد نام ناشر و مکان نشر درج شود. اما در عکس جلد کتاب، که در اینترنت موجود است، آرم ناشر در سمت چپ بالای صفحه درج شده است.

۸.۳ قواعد ویرایش و نگارش

کتاب حاضر از نظر رعایت موارد همزه های قطع و وصل، تشدید، پاراگراف بندی، و... درخور تحسین است. اما گاهی غلطهای چاپی در صفحات آن مشاهده می شود که به چند مورد آن اشاره می شود. حرف «ل» به جای «ک» در «قد ناب عنل شدید الخوف و اصطنعت» صفحه ۱۸۸، که در اصل باید «ناب عنک» باشد. حرف «ت» به جای «ق» در «متة» صفحه ۱۹۱، که اصل آن مقه است. کاربرد «الآخر» به جای «الأخری» در «من الأغراض الآخر الكثيرة» صفحه ۱۹۳، با توجه به این که الآخر صفت الأغراض است باید مؤنث و به صورت الأخری به کار رود. حرف «ک» به جای «ن» در «کم تطلبوک» صفحه ۲۰۳ که در اصل «کم تطلبوک» است، و موارد دیگری از این دست که لازم است در چاپ های بعدی این اشکالات برطرف شود.

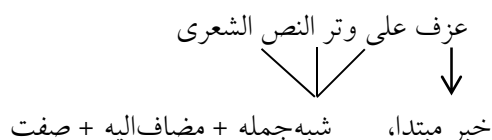
۴. ساختار کتاب

شاخص هایی که در ارزیابی ساختار این کتاب مدنظر بوده به شرح ذیل است.

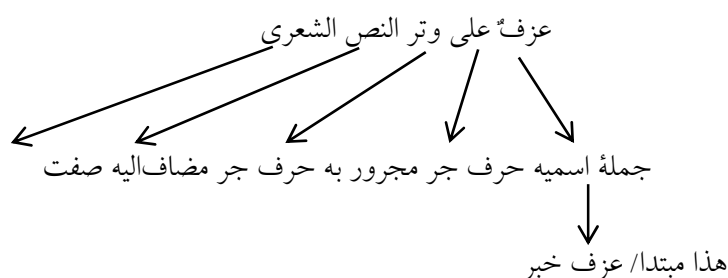
۱.۴ عنوان

اولین چیزی که خواننده با آن مواجه می شود عنوان است، به همین دلیل به عنوان مدخل اصلی متن شناخته می شود و به آن هویت می بخشد و آن را از متون دیگر متمایز می کند (مقران ۲۰۱۴: ۲۰). از طریق بررسی ظاهری عنوان میزان ارتباط بین عنوان و متن مشخص می شود؛ زیرا ساختار و دلالت عنوان یک اثر جدای از ساختار و دلالت آن اثر نیست (حسنیه ۲۰۱۴: ۱۳۱).

برای این کتاب عنوان «عزف علی وتر النص الشعری» انتخاب شده است. اگر بخواهیم این عنوان را از نظر ظاهری بررسی کنیم عنوانی است که با اسم شروع شده است:



اما در اصل عنوان با اسم مفرد شروع نشده است و در ساختار عمیق مبتدایی به شکل بالقوه وجود دارد که در ساختار سطحی ظاهر نمی‌شود. بنابراین، عنوان از حالت ابتدا به اسم در ساختار سطحی به حالت ابتدا به جمله اسمیه در ساختار عمیق تبدیل می‌شود و حذف مبتدا در این حالت به خاصیت عنوان که ایجاز و اختصار است مربوط است (همان: ۱۰۳). در این حالت می‌توان ساختار عنوان را به شکل زیر نشان داد.



اگر بخواهیم میزان انطباق مفهومی عنوان با محتوای کتاب را بسنجیم، لازم است قدری در عنوان تأمل کنیم.

در معنای واژه «عزف» در کتاب لغت آمده است: عزف - عزفاً و عزيفاً: لعب بالمِعزَف و غنّی، يقال: عزف علی العود یعنی عود را نواخت، (معجم/الوسیط) و در مورد واژه «وتر» نیز آمده است: الوتر: معلق القوس به معنای زه کمان و أوتار العود: خيوط العود التي يُعزَف بها: تارهای عود که با آن‌ها موسیقی نواخته می‌شود (همان). با دقت در این معانی مشخص می‌شود که مفهوم عنوان کتاب نیز با این معانی هم‌خوانی دارد و به نظر می‌رسد نویسنده هوشمندانه و ادیبانه این عنوان را انتخاب کرده است. در اصل، قصد نویسنده بازی با متن و به صدا درآوردن آن بوده است تا به مخاطب بفهماند که متن چه می‌گوید و از آن‌جاکه مفاهیم و زیبایی‌های نهفته در متن بسیار دل‌نشین است، آن را به سان صدای موسیقی دانسته که دل‌نشین و گوش‌نواز است. یک ساز به خودی خود صدایی ندارد، اما زمانی که نوازنده‌ای

ماهر تارهای آن را به صدا درمی آورد، موسیقی زیبایی خلق می شود. متن شعری هم همانند تارهای موسیقی است که ناقد با تحلیل های خود بر آن تارها می نوازد. درحقیقت، همان گونه که نویسنده در مقدمه به اجمال بیان کرده، قصد داشته است از متن به موضوع برسد و به این وسیله هم چون یک نوازنده موسیقی که به بهترین شکل موسیقی خود را می نوازد با نواختن بر متن صدای دل نشین آن را به گوش خواننده برساند. نگارنده که متن را برای ارزیابی مطالعه کرده است این عنوان را مناسب ترین عنوان برای متن کتاب می داند.

۲.۴ مقدمه کتاب

کتاب با یک مقدمه دو صفحه ای و تقریباً کامل از نویسنده آغاز شده است. در مقدمه، نویسنده ضمن اشاره به اهمیت متون ادبی در تحقیقات ادبی و شیوه های نوین تحلیل متن در دانشگاه های امروزی به انتقاد از شیوه های قدیمی مورداستفاده در دانشکده های ادبیات می پردازد و می گوید: «مازلنا ندرُسُ الموضوعَ بعيداً عن النص، ونأتی بالنصوص كصورٍ تکمیلیة تزیینیة للموضوع» (الطالب ۲۰۰۰: ۲) (ترجمه: همیشه موضوع را به دور از متن بررسی می کنیم و بعد برای تکمیل و تزیین آن موضوع متن را می آوریم) و علل و نتایج منفی این شیوه را ذکر می کند. «نسقط فی دیاجیر هذا المنهج فی حلقة مفرغة تقودنا النهایة فیة إلى البدایة، وینهی طالبنا الدراسة وهو خالی الذهن من الأدب وقد نسی النصوص التي أجبر علی حفظها من دون إدراك حقیقی لها» (همان) (ترجمه: در تاریکی های این روش در یک حلقه گم شده ای می افتیم که به دور خود می چرخیم. دانشجوی ما درس را تمام می کند، ولی هیچ ذهنیتی از ادبیات ندارد و متونی را که مجبور به حفظ آن هاست فراموش می کند و درک درستی از آن ها ندارد). در ادامه، هدف از تألیف کتاب و شیوه تألیف آن را توضیح داده و گفته است که قصاید انتخابی را براساس اجتهاد خاص خود و فهمی که از مناهج ادبی و نظریه های جدید داشته تحلیل کرده است. «وقد جاء تحلیلی لهذه القصائد منبعناً من اجتهادی الخاص وفهمی للمناهج الأدبیة والنظریات الحدیثة» (همان) (ترجمه: تحلیل من از این قصاید برخاسته از اجتهاد خاص و فهم خودم از روش های ادبی و نظریه های جدید بوده است). وی در مقدمه علت خاصی برای انتخاب نمونه ها ذکر نکرده و گفته که به متون سطح بالا توجه داشته است. با بررسی نمونه های انتخابی این امر روشن می شود که نویسنده با اشراف کامل به متون و شخصیت های مطرح در ادبیات عربی نمونه های خود را انتخاب کرده است.

۳.۴ فصل‌های کتاب

نویسنده در مقدمه توضیح داده است که هرکدام از قصاید را براساس چه منهجی بررسی کرده است.

فصل اول: رحلة فی معلقة امرئ القیس در چهل صفحه؛

فصل دوم: تحلیل سیمیایی لمعلقة زهیر در ۲۹ صفحه؛

فصل سوم: تحلیل قصیده بانث سعاد در ۳۹ صفحه؛

فصل چهارم: تحلیل بنیوی لقصیده «لئن هجرتک» لأبی نواس در ۳۲ صفحه؛

فصل پنجم: «قصیده وا حرّ قلباه» تحلیل بنیوی سیمیایی در ۷۵ صفحه؛

فصل ششم: «یا لیلتی تزد ذکراً» دراسة بنیویة در ده صفحه؛

فصل هفتم: قراءة فی «کلمات سبارتکوس الأخيرة» لأمل دنقل در هشت صفحه.

نویسنده در مقدمه ذکر کرده که قصد نداشته است به‌زور یک قصیده را در قالب یک منهج بگنجانند و سعی کرده است تا براساس آنچه متن اقتضا می‌کند آن را تحلیل کند؛ زیرا بسیاری اوقات متن در دایره منهج خاص نمی‌گنجد. «و کثیراً ما یستعصی النصّ علی المنهج وینفر من دائرته، و من حدود أطره الصلدة، فألیت الوقوف إلی جانب النصّ و قدرته علی احتمال المنهج من دون قسر له أو فرض علیه من خارجه» (الطالب ۲۰۰۰: ۹) (ترجمه: بسیاری اوقات متن با روش هم‌خوانی ندارد و در چهارچوب‌های سخت آن نمی‌گنجد، من تصمیم گرفتم در کنار متن و توانایی آن در تحمل روش بایستم، بدون این‌که زور یا اجباری از بیرون بر آن وارد شود). این ایرادی است که به برخی ناقدان در تحلیل متون وارد است. آن‌ها تلاش می‌کنند به هر شکل ممکن متن را در یک نظریه بگنجانند، بدون این‌که در نظر بگیرند که آیا این متن با نظریه هم‌خوانی دارد یا خیر؟

۱.۳.۴ عناوین فرعی فصل‌ها

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، نویسنده در هر فصل به تحلیل یک قصیده پرداخته است و برای تحلیل قصیده را به موضوعات مختلفی تقسیم کرده و براساس آن به تحلیل قصیده پرداخته است. از آن‌جاکه هر قصیده براساس منهج خاصی بررسی شده، انتخاب عنوان‌های فرعی نیز براساس همان منهج بوده است و از این نظر ناهماهنگی دیده نمی‌شود.

۲.۳.۴ تناسب حجم فصل‌ها

دسته‌بندی درست مطالب و فصل‌بندی منطقی کتاب در ایجاد تناسب بین فصل‌ها مؤثر است. البته تناسب صفحات به نوع متن انتخابی نیز بستگی دارد. با دقت در صفحات اختصاص‌یافته برای فصل‌ها مشخص می‌شود برخی فصل‌ها حجم بیش‌تری از کتاب را به خود اختصاص داده‌اند که دلیل آن را می‌توان در نوع قصیده انتخابی، اهمیت آن، و هم‌چنین منهج به‌کاررفته در بررسی آن جست‌وجو کرد. در این کتاب تا فصل چهارم تا حدودی این تناسب رعایت شده است، اما در سه فصل آخر این تناسب به‌هم می‌خورد. فصل چهارم از فصل‌های دیگر طولانی‌تر و فصل پنجم و ششم حجم کم‌تری در مقایسه با سایر فصل‌ها دارد.

۳.۳.۴ حجم کتاب

کتاب ۲۴۶ صفحه است که از حجم متعارفی برخوردار است.

۴.۴ شیوه ارجاع‌دهی

یکی از عیب‌های آشکار کتاب شیوه ارجاع‌دهی آن است که بسیار نامنظم و ناقص است و از شیوه‌های ارجاع‌دهی علمی استفاده نشده است. ارجاعات به عدد در داخل پرانتز کوچک و دوباره در یک پرانتز بزرگ‌تر در متن مشخص شده و در پانویس مرجع ذکر شده است. توضیحات دیگر متن نیز به همین شیوه است. هم‌چنین، عددها از یک شروع شده و تا پایان کتاب ادامه یافته است که شیوه‌ای خسته‌کننده و دشوار است. شماره‌گذاری‌های فصل دوم در ادامه فصل اول نیامده است و مشخص نیست در ادامه چه مطلبی بوده است و معانی کلمات و ابیات ذکر شده در این فصل و هم‌چنین آدرس آیات و مراجع در پایان همین فصل در هوامش قید شده است و به‌دنبال آن فهرست منابع فصل آورده شده است و پس از آن یک چکیده بسیار مختصر به زبان انگلیسی مشاهده می‌شود که به متن هم ارتباطی ندارد. به‌نظر می‌رسد این فصل یک مقاله جداگانه بوده که بین فصل اول و سوم گنجانده شده است. نقل قول‌ها نیز در داخل دو پرانتز بزرگ آمده و در پانویس ارجاع داده شده است. از طرف دیگر، ارجاع‌ها شیوه یک‌سانی ندارد. در برخی موارد نام و نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، و شماره صفحه ذکر شده است. به‌عنوان مثال در صفحه ۱۴ در پانویس آمده است: «(ابن قتیبه، الشعر و الشعراء، ص ۲)» و در برخی موارد فقط نام کتاب و شماره صفحه ذکر شده است، مانند صفحه ۱۵۸: «(موسیقی الشعر، ص ۱۹۶)».

۵.۴ منابع مورد استفاده مؤلف

یکی از ویژگی‌های کتاب خوب آن است که نویسنده به مطالب آن اشراف کامل داشته باشد و منابع مربوط را به خوبی مطالعه کند و بشناسد و برای ارائه مطالب خود به آن‌ها استناد کند. در کتاب حاضر، نویسنده برحسب منهجی که برای هر قصیده برگزیده، از منابع معتبر و شاخص مربوط به آن مطلب استفاده کرده است. به عنوان مثال در فصل اول که معلقه امرؤالقیس را براساس منهج اجتماعی بررسی کرده از کتاب‌های نویسندگانی چون ابن‌قتیبه، شکری فیصل، عزالدین اسماعیل، جلال خیاط، جاحظ، شوقی ضیف، الباقلانی، و ... یا در فصل سوم که از منهج تاریخی استفاده کرده از کتاب‌هایی چون *الاعانی، الکامل، جمهرة اشعار العرب، حدیث الاربعاء، معجم الادباء، و...* و در فصل پنجم از نویسندگانی چون محمد مفتاح، تمام حسان، ابراهیم انیس، شکری محمد عیاد، جان کوهن، و... استفاده کرده است که از این نظر می‌توان گفت منابع استفاده‌شده در کتاب مطلوب است.

۶.۴ فهرست‌ها

این کتاب تنها فهرست مطالب و منابع دارد.

۱.۶.۴ فهرست منابع

در کتاب مورد نظر فهرست منابع هر فصل در پایان همان فصل آمده و براساس ترتیب الفبایی نام کتاب تنظیم شده است، اما در همه فصل‌ها شکل منظمی ندارد. در فصل اول با این که از منابع زیادی استفاده شده است، فهرست منابع ندارد که این از عیوب کتاب محسوب می‌شود و یک‌دستی در تنظیم و نگارش منابع رعایت نشده است. فصل پنجم و ششم نیز چون صرفاً به تحلیل متن شعر پرداخته شده از منبعی استفاده نشده است، در نتیجه فهرست منابع ندارد. هم‌چنین، کتاب فهرست منابع پایانی ندارد.

۲.۶.۴ فهرست مطالب

فهرست مطالب کتاب که فقط عنوان فصل‌ها را شامل می‌شود در پایان کتاب آمده است.

۵. ارزیابی محتوای کتاب

در ارزیابی محتوایی کتاب ابتدا لازم است به شناسایی مؤلف اثر پرداخت تا مشخص شود که آیا مؤلف از نظر علمی در سطحی قرار دارد که اثر را تولید کند؟ موفقیت علمی مؤلف

در محافل آکادمیک چه قدر است؟ (فانی ۱۳۸۶: ۵۴). برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها لازم است ابتدا به معرفی مؤلف بپردازیم.

۱.۵ معرفی صاحب اثر

عمر محمد طالب در سال ۱۹۳۲ در شهر موصل به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در همان جا به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده حقوق و علوم تربیتی و تجارت بغداد شد. وی در سال ۱۹۵۴ به موصل بازگشت و به عنوان معلم دبیرستان مشغول به کار شد. در سال ۱۹۶۵ با دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *القصة القصيرة في العراق بعد الحرب العالمية الثانية* از دانشگاه عین شمس فارغ التحصیل شد و در سال ۱۹۶۷ از رساله دکتری خود با عنوان *الفن القصصي في العراق / الرواية والمسرحية* دفاع کرد و به دانشکده ادبیات دانشگاه موصل منتقل شد. وی چندین بار ریاست گروه عربی را به عهده گرفت. در سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ برای تدریس به دانشگاه مغرب اعزام شد. سه سال در سال‌های ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۲۰۰۱ نشان استاد ممتاز را به دست آورد و درجه استادی را در سال ۱۹۹۸ دریافت کرد. عمر محمد طالب راه‌نمایی بیش از صد رساله دکتری و کارشناسی ارشد را به عهده داشته و صدها بحث علمی و مقاله نقدی در مجله‌های محلی و عربی نظیر *إضاءات موصليّة، موصليات، دراسات موصليّة و الجامعة* منتشر کرده است. وی هم‌چنین کتاب‌هایی در زمینه ادبیات، داستان، نمایش‌نامه، مناہج نقدی، مکاتب نقدی، و... تألیف کرده که به شرح زیر است:

۱. *الرواية العربية في العراق* ۱۹۷۱؛
۲. *المسرحية العربية في العراق* ۱۹۷۱؛
۳. *الاتجاه الواقعي في الرواية العراقية* ۱۹۷۱؛
۴. *القصة القصيرة الحديثة في العراق* ۱۹۷۹؛
۵. *قراءة ثانية في البارودي* ۱۹۸۱؛
۶. *اثر البيئّة العراقية في الحكاية الشعبية* ۱۹۸۱؛
۷. *القصة في الخليج العربي (جزءان)* ۱۹۸۳؛
۸. *الحرب في القصة العراقية* ۱۹۸۳؛
۹. *ملاحم المسرحية العربية الاسلامية* ۱۹۸۷؛

۱۰. مدخل الی مناهج الدراسة الادبیة ۱۹۸۸؛
۱۱. مناهج الدراسة الادبیة الحدیثة ۱۹۸۸؛
۱۲. مناهج الدراسة الادبیة المعاصرة ۱۹۸۸؛
۱۳. القلق والاعتراب فی الشعر الجاهلی ۱۹۸۹؛
۱۴. امرؤ القیس بین الاعتراب الکوئی والاعتراب الاجتماعی ۱۹۸۹؛
۱۵. ظلال فوق الخشبۃ ۱۹۸۹؛
۱۶. نظرات فی فنون الادب قدیمها وحدیثها ۱۹۸۷؛
۱۷. أدب الاطفال فی العراق ۱۹۹۰؛
۱۸. المذاهب النقدیة ۱۹۹۳؛
۱۹. دراسات فی الروایة العراقیة ۲۰۰۰؛
۲۰. عزف علی وتر النص الشعری ۲۰۰۰؛
۲۱. عزف علی وتر النص الثری ۲۰۰۳؛
۲۱. السينما فی الموصل ۲۰۰۰ العراق (<<http://www.dr-omaraltaleb.com>>).

وی هم چنین چندین قصه و رمان دارد که بنابه گفته خودش به دلایل سیاسی از چاپ آن‌ها جلوگیری شده است.

با مروری بر زندگی نویسنده و سوابق تدریس و تحقیق در این زمینه می‌توان گفت پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده در مورد صاحب اثر مثبت است و نویسنده از نظر علمی صلاحیت خلق اثر و قدرت استدلال و اظهار نظر را داشته است. از سوی دیگر، در بررسی یک اثر باید خواننده آن اثر را نیز مدنظر قرار داد. آن‌گونه که در مقدمه آمده نویسنده از شیوه تدریس متون انتقاد کرده و در پی آن است تا با استفاده از اندوخته‌ها و تجربه‌های خود اثری خلق کند که به شیوه جدید و به روز به تحلیل متون بپردازد تا مخاطبان بتوانند استفاده مفیدتری ببرند. در واقع، این کتاب به شکلی از حوزه تعاریف و مباحث نظری خارج می‌شود و به شکل عملی و با انتخاب نمونه‌های مختلف به تحلیل آن‌ها می‌پردازد. بنابراین، به نظر می‌رسد بیش تر مخاطبان اثر دانشجویان و شعر دوستان باشند که از این طریق با شیوه‌های تحلیل متن آشنا می‌شوند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا این کتاب را می‌توان به عنوان کتاب درسی استفاده کرد و آیا ویژگی‌های کتاب درسی را دارد؟

۲.۵ محتوای کتاب

در صورتی که کتاب برای این منظور استفاده شود باید موارد زیر را مدنظر قرار داد.

۱.۲.۵ به روز بودن

کشفیات تازه علمی، دستاوردهای جدید، تغییر در روش و رویکردها سبب افزایش دانش بشر در رشته‌های مختلف شده است. از این رو، کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را داشته باشد (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). اگر از این جنبه کتاب را مورد ارزیابی قرار دهیم، نویسنده با به‌کارگیری شیوه‌ها و نظریه‌های جدید نقدی به تحلیل متون پرداخته و با طرح مسائل چالشی مخاطب را به تفکر واداشته است و اطلاعات به‌روزی را در اختیار دانشجو قرار می‌دهد.

۲.۲.۵ گشودن افق‌های تازه

کتاب علمی باید به‌گونه‌ای باشد که حس کنج‌کاوی مخاطبان را برانگیزد و سؤال‌های جدید در ذهن مخاطب ایجاد کند و افق‌های جدیدی پیش‌روی آن‌ها بگشاید (همان). هم‌چنین، تفکر انتقادی را در آنان پرورش دهد که این امر به روحیه مخاطبان نیز بستگی دارد. در این کتاب، هر نمونه قصیده براساس منهجی خاص تحلیل شده و نویسنده در تحلیل آن نظرات جدیدی مطرح کرده که در برخی موارد با آنچه که تاکنون گفته شده متفاوت است. نویسنده برای اثبات حرف خود نیز دلایل متعدد آورده است، امری که ممکن است حس کنج‌کاوی مخاطب را برانگیزد و به اصطلاح یک تفکر انتقادی در او ایجاد کند و به او بیاموزد که با مسائل به‌دید انتقادی برخورد کند. به‌عنوان مثال از همان ابتدای فصل اول، سبب نظم معلقه امرؤالقیس را زیر سؤال می‌برد و دلایل متعددی برای رد آن ذکر می‌کند. «یری بعض الباحثین أن الباعث علی نظم المعلقة هو یوم دارة جلجل.. وعلینا لیبان الحقیقة أن تقف موقف الشاک من کل ما قیل لنصل من هذا الشک إلى الحقیقة،...» (الطالب ۲۰۰۰: ۱۱) (ترجمه: برخی محققان معتقدند علت نظم معلقه روز «دارة جلجل» بوده است.. برای بیان حقیقت باید به گفته‌ها شک کنیم تا از این شک به یقین برسیم). هم‌چنین، در مورد دو بیت آغازین معلقه، فراخواندن دوستان برای مشارکت بر گریستن بر اطلال را غیرمنطقی می‌داند و می‌گوید: «فالذکریات الألیمة لا تستحق مشارکة البکاء عند الرجال علی الاقل، اما الحزن فینبعث عادة من النفس دون حاجة إلى استدعاء المشاركة، هذا بالإضافة إلى أن دعوة المشاركة لا تتم فی حالة الحزن بل فی حالة السعادة و الفرحة...» (همان: ۱۳) (ترجمه: برای مردان

مشارکت در گریه کردن بر خاطرات ناراحت‌کننده سزاوار نیست، اندوه معمولاً شخصی است و به فراخوانی در مشارکت نیازی ندارد، علاوه بر این، دیگران در خوش‌بختی و خوش‌حالی شریک می‌شوند، نه در اندوه). بعد از ذکر این مطالب این سؤال را مطرح می‌کند که اگر چنین است، چرا بر اطلال ایستاده این چنین می‌گیرد: «... فلماذا وقف علی الأطلال إذأ و بکی هذا البكاء المر» (همان).

۳.۲.۵ ایجاد ارتباط با موضوعات میان‌رشته‌ای

مباحث میان‌رشته‌ای جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات علمی دارد. یکی از معیارها برای بررسی کیفیت یک اثر میزان توجه صاحب اثر به ارتباط و پیوند مطالب کتاب با مباحث سایر رشته‌هاست (رضی ۱۳۸۸: ۲۴). در این کتاب مباحث اجتماعی، فلسفی، زبان‌شناسی، و سبک‌شناسی مطرح شده است و نویسنده از این طریق ادبیات را با فلسفه، جامعه‌شناسی، و غیره پیوند داده است، اما نمی‌توان آن را به‌عنوان موضوع میان‌رشته‌ای به حساب آورد.

۴.۲.۵ مرتبط‌بودن کتاب با سایر دروس

یکی از شاخص‌های اثربخش بودن کتاب‌های درسی میزان و نوع ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر است (ملکی ۱۳۸۵: ۷). محتوای کتاب حاضر که متناسب با درس تحلیل متون نظم عربی است تا حد زیادی با درس نقد ادبی ارتباط دارد و یک منبع کامل‌کننده نقد ادبی است.

۵.۲.۵ برقراری ارتباط با مخاطب و اثرگذاری بر او

در صورتی که مخاطب با متن ارتباط برقرار کند، فراگیری وی افزایش می‌یابد. بنابراین، محتوای کتاب باید با توجه به زمینه‌های عاطفی، شناختی، و مهارتی دانشجوی ارائه شود (رضی ۱۳۸۸: ۲۴). با مطالعه این کتاب دانشجوی می‌تواند آموخته‌های پیشین خود را با مطالب کتاب پیوند زند و اطلاعات خود را افزایش دهد و ایده‌های جدیدی کسب کند. هم‌چنین، کاربرد جدول‌ها و ارائه مطالب با شیوه‌های متفاوت در فصل‌ها سبب می‌شود تا متن‌ها از حالت خسته‌کننده خارج شود و خواننده را تشویق کند.

۶.۲.۵ مشخص‌بودن اهداف هر فصل

اهداف فصل به صورت مشخص بیان نشده است، اما با توجه به عنوان فصل از همان ابتدا مشخص است که نویسنده در آن فصل موردنظر چه هدفی را دنبال می‌کند.

۷.۲.۵ عناوین فصل‌ها و محتوای آنها

عنوان فصل‌ها با همان نام قصیده نام‌گذاری شده و از همان عنوان مسئله محوری بودن آن مشخص است. هم‌چنین، در چیدمان فصل‌ها ترتیب دوره‌های ادبی از قدیم به جدید رعایت شده است. به‌عنوان مثال، فصل اول «رحلة فی معلقة امرؤالقیس» نام دارد که در آن نویسنده این معلقه را تحلیل کرده است.

نویسنده ابتدا به انگیزه نظم قصیده می‌پردازد و با ارائه شواهد و مستندات نظرات پیشینیان در این مورد را رد و نظر خود را بیان می‌کند. سپس با تقسیم قصیده به موضوعات مختلف، ذیل عنوان‌های فرعی آن را تحلیل می‌کند و در پایان ویژگی‌های فنی آن را ذکر می‌کند.

در فصل دوم به تحلیل سیمیایی «معلقة زهیر» می‌پردازد و آن را در سطح صوتی و ایقاعی، ترکیبی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، و ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل سوم تحلیل قصیده «بانت سعاد» براساس منهج تاریخی است. فصل را با مقدمه‌ای از زندگی زهیر آغاز می‌کند. علت نظم و شرایط القای آن را بیان می‌کند و سپس متن قصیده را می‌آورد و به تحلیل آن می‌پردازد. نظرات جدید نویسنده و برداشت‌های وی از قصیده در سرتاسر فصل نمایان است. وی در پایان فصل معارضات و موازات این قصیده را هم می‌آورد و به مقایسه آنها می‌پردازد که این امر نیز ضمن ارائه اطلاعات جدید به مخاطب کار تحلیل را جذاب‌تر می‌کند.

فصل چهارم تحلیل بنیوی قصیده «لئن هجرتک» ابونواس است. شیوه نویسنده در این فصل با فصل‌های قبلی تفاوت دارد. ابتدا متن قصیده را می‌آورد و براساس مؤلفه‌های نقد ساختاری به تحلیل قصیده می‌پردازد.

فصل پنجم اختصاص به تحلیل قصیده «وا حرّ قلباه» متنبی دارد که نویسنده آن را از نظر سیمیایی و بنیوی تحلیل کرده است. این فصل طولانی‌ترین فصل کتاب است. نویسنده از بحر شعر آغاز کرده، نسبت کاربرد این بحر را در شعر عربی و شعر متنبی بررسی و به‌طور مفصل قصیده را از نظر ساختاری و سیمیایی بررسی کرده است.

فصل ششم تحلیل بنیوی قصیده «یا لیلتی تزاد ذکراً» از بشار است. ابتدا متن قصیده را آورده و بعد تحلیل را آغاز کرده است.

فصل هفتم که کوتاه‌ترین فصل کتاب است «قراءة فی کلمات سبارتکوس الأخیره»أمل دنقل نام دارد. نویسنده در مورد علت انتخاب این متن می‌گوید:

تعتبر كتابات أمل دنقل الشعرية، حقلاً لغوياً غنياً، وطيد العلاقة مع النص القديم على عدة مستويات معجمي، تركيبى ... هذا هو السبب الأول (الذى اعتبره أفضياً) الذى دفعنى إلى اختيار «كلمات سبارستاكوس الأخيرة» لأمل دنقل. وهناك سبب تالى (عمودى) منهجى يتعلق بالرؤية التى ينطلق منها المنهج الشكلى، يتأتى هذا السبب من كون نصوص أمل دنقل من النصوص الشعرية التى اعتمدت الجدة والخلق ولعل هذا يسير مع تبنى فكرة النص الذى ينسج نفسه بنفسه، النص الذى يزكى فكرة أن له استقلاله الداخلى الذى يعتبر من خصوصياته التى تميزه (الطالب ۲۰۰۰: ۲۳۶).

آن‌گاه بدون آوردن متن قصیده و ذیل عنوان «تحلیل النص» و بدون آوردن عناوین فرعی به تحلیل قصیده پرداخته است. هم‌چنین، این فصل ارجاع و فهرست مراجع ندارد.

۸.۲.۵ نمونه آوری و تحلیل

باتوجه به هدف کتاب که تحلیل متن است و نه مباحث نظری، طبیعی است که به جای پرداختن به موضوع خاص و مباحث نظری و آوردن متن به عنوان شاهد مثال، ابتدا نمونه‌هایی که در ادبیات عربی و در بین محققان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و بیش‌تر از سایر متون مطرح‌اند انتخاب شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. در تحلیل متون، تمامی مواردی که در مناهج مختلف برای تحلیل متن باید مورد توجه قرار گیرد مدنظر نویسنده بوده است.

۹.۲.۵ نقش نویسنده در تبیین مفاهیم و میزان اظهار نظر وی

در این کتاب، نویسنده حضور پررنگی دارد و نشانی از نقل قول‌های مکرر دیده نمی‌شود و اگر در مواردی نقل قولی آورده شده به نقل صرف اکتفا نکرده و در رد یا تأیید آن‌ها نظر داده است. به عنوان مثال در بیان علت نظم قصیده بانث سعاد و شرایط القای آن می‌گوید: «وقیل إن کعباً أنشد قصیدته للرسول (ص) فی المسجد الحرام لا فی مسجد المدینة و هو قول ضعیف غیر متواتر والأرجح لدینا أنه أنشدها للرسول (ص) فی مسجد المدینة كما بینا سابقاً» (الطالب ۲۰۰۰: ۸۲) (ترجمه: و گفته شده که کعب قصیده‌اش در مدح پیامبر را در مسجد الحرام سروده، نه مسجد مدینه که این قول ضعیفی است و متواتر نیست و همان‌گونه که قبلاً بیان کردیم، او این قصیده را در مسجد مدینه برای پیامبر سروده است).

۱۰.۲.۵ جنبه آموزشی داشتن محتوا

علمی بودن یک متن لزوماً با آموزشی بودن آن هم‌راه نیست. ممکن است نوشته‌ای اعتبار علمی داشته باشد، ولی اعتبار آموزشی نداشته باشد. در صورتی که محتوای برنامه درسی و کتاب درسی براساس الگو یا الگوهای آموزشی مشخص طراحی شود، اعتبار آموزشی حاصل می‌شود (ملکی ۱۳۸۵: ۷). کتاب مورد بررسی به دلیل استفاده از منابع معتبر و استفاده از شیوه‌های معتبر نقدی و هم‌چنین تحلیل‌های قوی و مستدل و ارائه نظر از اعتبار علمی برخوردار است، ولی نمی‌توان از آن به‌عنوان کتاب درسی استفاده کرد.

۱۱.۲.۵ کیفیت خلاصه پایانی فصول

نویسنده در این خصوص روش یک‌سانی در پیش نگرفته و تنها در فصل‌های اول و دوم و سوم خلاصه و جمع‌بندی مختصری از مطالب را ذکر کرده است و در سایر فصل‌ها خلاصه‌ای ذکر نشده است. هم‌چنین، کتاب خلاصه پایانی ندارد.

۶. زبان علمی کتاب

زبان علمی زبانی شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی است که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون درنگ بر سر کلمات و تعبیرات به مدلول رهنمون می‌کند (رضی ۱۳۸۸: ۲۵).

در ارزیابی ویژگی‌های زبانی کتاب موارد زیر مدنظر بوده است:

۱. رسایی متن: زبان متن کتاب رساست، به گونه‌ای که خواننده می‌تواند به مفهوم متن دست یابد. ضمن این که الفاظ انتخابی متناسب با مباحث علمی و براساس اصطلاحات و تعبیرهای خاص مربوط به موضوع تدوین شده است.
۲. روانی متن: نثر کتاب از انسجام معنایی برخوردار است. از عبارات‌های سخت و نامفهوم کم‌تر استفاده شده، عبارات‌ها و تعبیرها متناسب با زبان روز است، و از الفاظ نامأنوس و مهجور استفاده نشده است.
۳. از جملات معترضه‌ای که بین مطالب فاصله می‌اندازد و فهم مطلب را دشوار می‌کند استفاده نشده است.
۴. در تحلیل قصاید از واژه‌های معادل در زبان عربی استفاده شده است و به‌ندرت از واژه لاتین در متن استفاده شده است.

۵. باتوجه به این که کتاب به زبان عربی است و برای مخاطب آشنا به زبان عربی نوشته شده است، هیچ‌گونه اعراب‌گذاری در متن و شاهد مثال‌ها مشاهده نمی‌شود.
۶. نویسنده تنها در فصل دوم مواردی که لازم بوده یا شرح برخی کلمات یا ابیات را در پی‌نوشت‌هایی که در پایان فصل آمده، ذکر کرده است.

۷. ارزیابی نهایی اثر

۱.۷ نقاط ضعف ظاهری و محتوایی کتاب

در بررسی ظاهری کتاب مواردی یافت می‌شود که برطرف کردن آن‌ها به ارزش کتاب می‌افزاید:

۱. جلد کتاب کیفیت خوبی ندارد؛
۲. اصول صفحه‌آرایی در کتاب رعایت نشده است؛
۳. شیوه ارجاع‌دهی از استاندارد لازم برخوردار نیست؛
۴. مؤلف شیوه یک‌سانی در ارجاع پانویس‌ها ندارد؛
۵. فهرست منابع پایان فصل‌ها یک‌نواخت نیست. برخی فصل‌ها فهرست منابع ندارد؛
۶. همه فصل‌ها نتیجه‌پایانی ندارند.

۲.۷ نقاط قوت کتاب

باوجود ضعف‌های ظاهری، از نظر محتوا کتاب از نقاط قوت فراوانی برخوردار است:

۱. از موارد مهم کتاب پرداختن به متن و دوری از مباحث نظری صرف است؛
۲. اجتناب از روش‌های سنتی تحلیل متون که تنها به شرح لغات و شرح و تفسیر بیت می‌پردازد از نقاط قوت کتاب است؛
۳. مسئله‌محور بودن مطالب کتاب و ایجاد سؤال در ذهن خواننده؛
۴. انتخاب متون مختلف از دوره‌های مختلف با موضوعات مختلف؛
۵. انسجام مطالب فصل‌ها؛
۶. رعایت اصول تحلیل متن؛
۷. حضور پررنگ نویسنده در تحلیل‌ها و ارائه تحلیل‌های عمیق.

۸. نتیجه گیری

مهم ترین نتایجی که از بررسی این کتاب به دست می آید می توان در چند مورد ذکر کرد:

۱. رعایت نکردن شیوة ارجاع علمی و یک نواخت نبودن ارجاع ها و هم چنین فهرست ها که باعث سردرگمی خواننده می شود، از عیوب کتاب است.
۲. در تحلیل ها، باتوجه به نوع تحلیل، از استادان فن بهره برده شده و از مراجع قوی و محکمی در رابطه با موضوع مورد نظر استفاده شده است و براساس آن تحلیل های جالب توجهی که بیش تر اظهار نظرهای خود نویسنده است، ارائه شده و نظرات قبلی مورد نقد قرار گرفته است.
۳. باتوجه به انتخاب قصیده های مختلف از دوره های مختلف و تحلیل آن ها براساس مناهج نقدی قدیم و جدید، این کتاب می تواند الگوی خوبی برای نقد متون باشد و استفاده از آن به عنوان منبع فرعی درس نقد و تحلیل متون نظم و نثر کارشناسی ارشد ضروری و مفید است. اما به دلیل این که در روش به کار گرفته شده در کتاب تمامی شاخص های کتب درسی (طرح سؤال، تمرین، شیوه های مشارکت فعال دانشجو، و ...) رعایت نشده است، نمی تواند به عنوان کتاب درسی استفاده شود.
۴. خواننده با مطالعه کتاب از طریق متن به اطلاعات عمیقی در مورد شیوه های نقد و مباحث جدید نقدی دست می یابد.
۵. مؤلف توانسته است افق های جدیدی را در نقد و تحلیل متون برای خواننده بگشاید و هدف خود، یعنی رسیدن به موضوع از طریق متن، را تحقق بخشد.

کتاب نامه

- حسنیه، مسکین (۲۰۱۴)، *شعرية العنوان في الشعر الجزائري الحديث والمعاصر، رسالة الدكتوراه، الجزائر: جامعة وهران.*
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۸۶)، *کتاب نقد و نقد کتاب، تهران: خانه کتاب.*
- رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص های ارزیابی و نقد کتاب های درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، ش ۲۲.
- سارتون، جورج (۱۳۸۶)، *نقد کتاب های علمی و تحقیقی، ترجمه کامران فانی، تهران: خانه کتاب.*
- ضاری، مظهر (۲۰۱۲)، *دلالة اللون في القرآن الكريم والفكر الصوفي، دمشق: دار الزمان للطباعة و النشر و التوزيع.*
- الطالب، عمر محمد (۲۰۰۰)، *عزف علی وتر النص الشعری (دراسة في تحليل النصوص الادبية الشعرية)*، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.

٣٢٢ پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ١٤٠٠

عبید، کلود (٢٠١٣)، الألوان (دورها، تصنيفها، مصادرها، رمزيتها و دلالتها)، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع.

مقران، حياط (٢٠١٤)، شعرية العنوان في ديوان «بداية وطن» لمحمد الجزائري، اطروحة الماستر، الجزائر: جامعة محمد خضير بسكرة.

ملكي، حسن (١٣٨٥)، «مباني و معيارهاى نقد كتب درسى دانشگاهى»، سخن سمت، ش ١٧.
النجيرى، ايمان محمد صالح (٢٠١٧)، «تحليل النصوص الشعرية و نقدها في ضوء المدخل الدلالي لطلاب المرحلة الثانوية»، مجلة كلية الآداب، جامعة بورسعيد، ش ٢٢.

<<http://www.dr-omaraltaleb.com>>.

<<http://www.zivanitar.com/color-attributes-5>>.